



Analysis of the Theme Network of the Fields of Faith in the Qur'an

- Elham Amooye**  Master of Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran
- Mohammad Mahdi Shahmoradi Fereidoni** * Assistant Professor, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
- Mahdi Taghizadeh Tabari** Assistant Professor, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Abstract

Undoubtedly, the category of faith, which is an optional act of the soul, is considered one of the most important religious issues in different religions. The predecessors considered optional verbs to be only the result of the epistemological factor; but Tetens, a German philosopher and psychologist, considers the human soul to have three independent and equally wide cognitive, emotional, and volitional spheres and believes that the mutual influence of these spheres is important in the realization of voluntary action, including belief. The current research has investigated these issues from the perspective of the Quran, relying on the "theme analysis" method. In this regard, 19 key themes as fields of faith based on the mentioned theory were extracted from the Qur'an and classified into three areas of "cognitive, emotional and volitional" and analyzed and explained. The findings of the research show that faith is the product of the combination of the three dimensions of knowledge, emotion and will, and these three dimensions work together.


Keywords: Holy Qur'an, Fields of Faith, Tetens Theory, Theme Analysis Method.

* Corresponding Author: Mm.shahmoradi@umz.ac.ir


How to Cite: Amooye, E., Shahmoradi Fereidoni, M. M., Taghizadeh, M. (2023). Analysis of the Theme Network of the Fields of Faith in the Qur'an, *Journal of Seraje Monir*, 14(46), 113-144.

کاربست تحلیل مضمونی در کشف شبکه مضمونی ایمان در قرآن

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران،
بابلسر، ایران

الهام عمویی 

استادیار، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

محمد مهدی شاهمرادی فریدونی * 

استادیار، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

مهدی تقی زاده طبری

چکیده

بی‌تردید، ایمان موهبت الهی است که انسان به وسیله آن می‌تواند مسیر سعادت و تعالی را پیش گیرد. از این رو مقوله ایمان که فعل اختیاری نفس است، از مهم‌ترین موضوعات اعتقادی در ادیان مختلف به شمار می‌آید. پیشینیان افعال اختیاری را تنها، نتیجه عامل معرفتی می‌دانستند؛ اما تنس فیلسوف و روان‌شناس آلمانی، نفس انسان را دارای سه ساحت مستقل و هم‌عرض معرفتی، عاطفی و ارادی دانسته و معتقد است تأثیر متقابل این ساحت در تحقق فعل اختیاری از جمله ایمان‌آوری حائز اهمیت است. پژوهش حاضر با تکیه بر روش «تحلیل مضمون» به بررسی این امور از منظر قرآن پرداخته است. در این راستا، ۱۸ مضمون کلیدی به‌عنوان زمینه‌های ایمان، از قرآن استخراج و در سه ساحت «معرفتی، عاطفی و ارادی» طبقه‌بندی و مورد بررسی و تبیین قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ایمان، محصول ترکیب ابعاد سه‌گانه معرفت، عاطفه و اراده است و این سه بُعد در هم اثرگذارند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، زمینه‌های ایمان، تنس، روش تحلیل مضمون.

۱- بیان مسئله

یکی از مسائل مهمی که فیلسوفان مسلمان، در بیان حقیقت انسان و وجه تفاوت انسان با حیوانات مطرح کردند ناطقیت انسان است که منظور آن، قوه‌ای است که شروع ادراک کلیات است. (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۱۹۹، ۳۱) تا پیش از قرن هجدهم میلادی، دو قوه عالمه (ساحت معرفتی) و عامله (ساحت ارادی) تحت تسلط قوای انسانی (شهوویه، غضبیه و عاقله) مطرح بودند و افرادی مانند سقراط و افلاطون معرفت را علت تامه‌ی عمل برمی‌شمردند اما ارسطو نظریه استادان خود را تکمیل نمود و نقش و تأثیر امیال در اراده و تحقق عمل را مطرح نمودند. (میرهاشمی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵-۱۸۹) اما بعد از آن‌ها فیلسوف و روان‌شناس معروف تتنس^۱ (۱۷۳۶-۱۸۰۷)، ساحت مستقل عاطفی علاوه بر دو ساحت مذکور ارائه نمود. (ر.ک: پورسینا، ۱۳۸۵: ۳۳) وی انسان را در ساحت نفسانی‌اش، دارای سه ساحت معرفتی، عاطفی و ارادی می‌داند.^۲ تتنس معتقد بود که معرفت، به‌خودی‌خود و به‌تنهایی، به اراده یا عمل نمی‌انجامد مگر اینکه وساطت احساس و عاطفه و هیجان در کار باشد این جنبه، آدمی را از مرحله‌ی علم یا نظر به مرحله‌ی فعل گذر می‌دهد. به عبارتی این سه ساحت، معرف ساحت‌نهایی و بنیادین نفس‌اند و قابل بازگشت به یکدیگر نمی‌باشند. (Radharkrishnan, 1988, 13-15) همچنین نمی‌توان مؤلفه‌ی احساس یا عاطفه را زیرمجموعه‌های مؤلفه‌ی شناخت یا اراده یا حاصل ترکیب شناخت اراده دانست (ملکیان، ۱۳۹۵، مقدمه) پیشینیان قوه احساس را عامل تأثیرگذار در فعل اختیاری نمی‌دانستند ولی تتنس و پس از وی، بسیاری از متفکران مانند ویلیام جیمز برای عواطف انسان جایگاهی مستقل قائل شدند.

مواجهه‌ای که در فرهنگ دینی ما با ایمان صورت گرفته است بیشتر، جنبه‌های معرفتی و عقلانی موجود در مسئله ایمان بوده و کمتر به جنبه‌های عاطفی و ارادی پرداخته شده است و از آنجا که ایمان به تصدیق قلبی تعریف شده (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۴۹۱) و

1. Tetens, Johann Nicolas

۲. برخی نیز این ساحت‌ها را به سه ساحت بینش، گرایش و کُنش تقسیم کردند (ر.ک: شجاعی، ۱۳۸۵: ۱۱۶)

یک نوع فعل اختیاری نفسانی است شکل گیری آن مرهون شرایط و مؤلفه‌های مختلفی است. لذا مسئله در این پژوهش این است که آیا صرف داشتن معرفت کافی است تا اراده انسان را از مرحله‌ی علم به مرحله‌ی فعل گذر دهد؟ چگونه ساحت عاطفی و ارادی انسان بر ایمان آوری او تأثیر دارد؟ آیا سه حیطه (معرفتی، عاطفی، ارادی) از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند؟ بر این اساس در این پژوهش سعی می‌گردد، با روش تحلیل مضمون زمینه‌های ایمان آوری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در موارد متعدد، قرآن کریم، ایمان و جایگاه آن را به قلب نسبت داده است. (حجرات/۱۴؛ رعد/۲۸) لذا ایمان از نگاه قرآنی نیز ترکیبی از شناخت و احساس است و از این طریق انگیزه و اراده انسان را جهت داده و در نتیجه، رفتاری متناسب با خود را بروز می‌دهد.

روش تحقیق

رشد سریع تحقیقات کیفی موجب برداشتن گامی مثبت در جهت درک عمیق‌تر پدیده‌ها است؛ لذا مسائل مربوط به چگونگی و زمان به کارگیری روش‌های کیفی مورد عنایت پژوهشگران می‌باشد. با وجود این به نحوه تحلیل داده‌های متنی در سال‌های اخیر توجه اندکی صورت گرفته است. برای حصول نتایج ارزشمند در تحقیقات کیفی ضروری است که داده‌ها به صورت روشمند و نظام‌مند تجزیه و تحلیل موشکافانه شوند. از جمله روش‌های تحلیلی، روش «تحلیل مضمون» است که با نگرش جامع به تحلیل داده‌ها و محتوی پیچیده می‌پردازد.

«تحلیل مضمون» یک روش توصیفی است که فرایند تحلیل داده‌های کیفی را با استفاده از جستجوی الگوی تجربه درون یک مجموعه میسر می‌سازد. با استفاده از این روش، مضامینی که باهم ارتباط متنی دارند را وحدت می‌بخشیم. به طور کلی تحلیل مضمون، روشی برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات نامرتب، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل و گروه و همچنین تبدیل داده‌های کیفی به کمی می‌باشد (Braun & Clerck, 2006: 77-101).

مراحل تحلیل مضمون

آشنا شدن با داده‌ها: ابتدا شروع تحلیل مضمون، ضروری است خود پژوهشگر داده‌ها را از طریق رسانه‌ها و منابع مختلف جمع کند یا این که داده‌های تحقیق را از طریق دیگران دریافت نموده باشد؛ اما مهم این است که پژوهشگر آشنایی عمیق پیدا کند (Attride-Stirling, 2001: 385-405).

ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری: در این مرحله ضروری است که پژوهشگر فهرستی اولیه از ایده‌های موجود در داده‌ها و نکات جالب آن‌ها، تهیه کرده باشد؛ لذا این گام، مستلزم ایجاد کدهای اولیه از داده‌هاست (Attride-Stirling, 2001: 385-405).

جست‌وجو و شناخت مضامین: در این مرحله کدها تجزیه و تحلیل می‌شود و نحوه ترکیب کدهای مختلف جهت تشکیل مضمون پایه، لحاظ می‌گردد. در این مرحله برای پالایش کردن کدهای مختلف در قالب مضامین می‌توان از شکل، نمودار، جدول، نقشه‌های ذهنی و یا نوشتن نام هر کد همراه با توضیح خلاصه‌ای از آن بر روی کاغذی جداگانه و قرار دادن آن در ستون مضمون مرتبط، استفاده نمود (Braun & Clerck, 2006: 77-101).

ترسیم شبکه مضامین: طی این مرحله، مشخص خواهد شد که برخی مضامین پیشنهادشده، به دلایلی از جمله کافی نبودن داده‌ها، عدم تنوع مناسب و همپوشانی داشتن برخی مضامین واقعاً مضمون نیستند ممکن است لازم باشد سایر مضامین به مضامین جداگانه‌ای تجزیه شود (Braun & Clerck, 2006: 77-101).

تحلیل شبکه مضامین: در این مرحله، شبکه‌های مضامین رسم شده، بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود. این شبکه‌ها به پژوهشگر کمک می‌کند تا بتواند مضامین به دست آمده را تشریح کند و الگوهای آن‌ها را بشناسد. پس از ایجاد شبکه‌های مضامین، پژوهشگر باید مجدداً به متن اصلی، مراجعه و آن را به کمک این شبکه‌ها تفسیر کند

(Attride-Stirling, 2001: 385-405).

تدوین گزارش: در مرحله نهایی، تحلیل و تدوین گزارش نهایی تحقیق، صورت می‌گیرد. هدف از نوشتن تحلیل مضمون این است خواننده درباره اعتبار تحلیل پژوهشگر، مجاب شود. مهم این است که تحلیل، حکایت مختصر و منسجم و منطقی و غیر تکراری و جالب برآمده از داده‌ها را در قالب مضامین، عرضه کند (Attride-Stirling, 2001: 385-405).

بنابراین روش تحلیل مضمون زمانی صورت می‌گیرد که پژوهشگر، داده‌ها را مطالعه و با آن آشنا شده باشد و همچنین فهرست اولیه از داده‌ها و نکات جالب آن‌ها را تهیه کرده باشد و در دومین گام اجرای روش تحلیل مضمونی «کدگذاری مضمونی» است که از اهمیت بالایی برخوردار است و واژگانی که به‌عنوان «کد» در فرایند کدگذاری مضمونی انتخاب می‌شوند واژگانی هستند که دارای معانی و مفاهیم جدید بوده و یک حرف جدید را به مخاطب القاء می‌کنند. لذا پس از خوانش اولیه متن با واژگان، مفاهیم و اصطلاحات جدیدی مواجه می‌شویم که بار معنایی جدید و تازه‌ای به همراه داشته که شناسایی و کشف این مفاهیم جدید و انتخاب آن‌ها به‌عنوان کد، اولین اقدام تحلیل‌گر مضمونی متن است؛ و این مفاهیم جدید، ویژگی خاص آن متن محسوب می‌شوند که سبب تمایز از دیگر متون شده و همچنین نماد و نشانه‌ای برای شناسایی دقیق مضمون اصلی و زیر بنایی متن است.

با توجه به تنوع روش‌های به‌کاررفته در تحلیل مضمون و تنوع دیدگاه صاحب‌نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای مضامین وجود دارد. برخی پژوهشگران، مضامین را به لحاظ ماهیت و برخی به لحاظ جایگاه و سلسله‌مراتب آن‌ها در تحلیل مضمون، دسته‌بندی کرده‌اند، در پژوهش حاضر زمینه‌های ایمان، بر مبنای ماهیت مضمون موردبررسی و تحلیل قرار گرفت

پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه پژوهش‌ها در خصوص موضوع زمینه‌های ایمان در قرآن، نشان می‌دهد

کاربست تحلیل مضمونی در کشف شبکه مضمونی ایمان در قرآن؛ عمویی و همکاران | ۱۱۹

برخی پژوهش‌ها به نوعی با موضوع این پژوهش در ارتباط بودند که هر یک از منظر خاص خود به این امر توجه کرده‌اند.

کربلایی (۱۳۸۹) در رساله خود با عنوان «ماهیت ایمان از دیدگاه آیات قرآن کریم» به تبیین و تحلیل ماهیت ارادی و اختیاری ایمان و رابطه ایمان و عمل و به بیان آثار ایمان و همچنین به بیان نشانه‌های مؤمنین از دیدگاه قرآن می‌پردازد.

علی‌خانی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی برخی از آثار ایمان به خدا» با رویکرد قرآنی و روایی، ابعاد و آثار سه‌گانه بینشی، گرایشی و کنشی ایمان را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که ایمان به خدا، باعث عمق‌بخشی بینش و معرفت مؤمن نسبت به حقایق عالم خواهد شد.

خلیلی و حیدری فر (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل تفسیری نقش ایمان در رابطه قلبی انسان با خدا از منظر قرآن» به تحلیل نقش ایمان در رابطه قلبی انسان با خدا از منظر قرآن پرداخته و مصادیق ایمانی برآمده از رابطه قلبی را مورد واکاوی قرار داده است. حسینیان (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل بسترهای ایمان از منظر قرآن» به بسترهای ایمان ساز و نقش آن‌ها با توجه به آیات قرآن پرداخته است.

در این مطالعه تلاش گردید زمینه‌های ایمان از منظر قرآن کریم به روش تحلیل مضمونی و ترسیم شبکه مضامین گسترده، به‌عنوان بخش نوآورانه این کار تحقیقاتی تبیین شود.

۲- مفهوم شناسی ایمان

درباره معنای لغوی ایمان در بین اندیشمندان مسلمان اختلاف نظر زیادی وجود ندارد و تقریباً هم عقیده‌اند؛ که ایمان در لغت مشتق از «أمن» به معنای «اطمأن» است و به تعبیر مختلفی اعم از طمأنینه نفس، آرامش نفس، نداشتن بیم و هراس، امانت و تصدیق اطلاق می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ۱۳۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ۲۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۹۰).

صاحب لسان العرب در مورد ایمان می‌گوید: «ایمان عبارت است از: اظهار خضوع و

قبول شریعت و آنچه پیامبر اکرم (ص) آورده است و آن اعتقاد و تصدیق قلبی می‌باشد. پس کسی که بر این صفت باشد مؤمن و مسلمان است که شک و تردیدی در او راه ندارد» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ۲۳). چنانچه قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا» (حجرات/۱۵) «مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هرگز شک و تردیدی به خود راه ندادن».

اما ایمان در اصطلاح نیز به معنای اطمینان و یقین به وجود خداوند متعال و تحقق معاد و تصدیق قلبی به حقایق رسالت پیامبر اسلام (ص) است و مراد از تصدیق و اعتقاد قلبی، اعتقاد و باوری است که جان آدمی را از کُفر و شک و بیماری‌های روحی در امان بدارد. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱، ۴۵) به عبارتی این اطمینان و گرایش به خدا به‌طوری در دل نفوذ کند که به رفتار و اندیشه‌های انسان جهت بخشد.

۳- تحلیل مضمون آیات پیرامون زمینه‌های ایمان

در تحقیق حاضر آیات پیرامون زمینه‌های ایمان مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفتند و پس از فیش برداری از قرآن، کدگذاری شدند. پس از سه مرحله کدگذاری، الگوی نهایی تحلیل مضمون زمینه‌ها ایمان مشخص شد. برای پایایی کدگذاری این پژوهش، پس از هر مرحله کدگذاری، کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی با گزاره‌های اولیه مقایسه شدند. در جدول ذیل تحلیل مضمونی گزاره‌ها، با توجه به کثرت آیات تنظیم و ترسیم شده است که به آن اشاره می‌شود:

کد محوری	مضمون پایه	کد اولیه
زمینه ایمان/ معرفتی	معجزه	(اعراف/۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۲۰ و ۱۲۱-۱۲۶؛ یونس/۸۰-۸۳؛ طه/۶۹ و ۷۰ و ۷۳؛ شعراء/۴۵-۴۷، ۵۱)
	علم	(اعراف/۱۱۷، ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۳-۱۲۵؛ اسراء/۱۰۷؛ طه/۶۹-۷۲؛ شعراء/۴۵ و ۴۶، ۴۹ و ۵۰؛ زخرف/۸۶)
	توجه به عزت خدا	(شعراء/۶۷ و ۶۸، ۱۰۳ و ۱۰۴، ۱۲۱ و ۱۰۴، ۱۳۹ و ۱۲۲، ۱۵۸ و ۱۴۰ و ۱۵۹، ۱۷۴ و ۱۷۵، ۱۹۰ و ۱۹۱؛ فاطر/۱۰)
	توجه به علم خداوند	(بقره/۲۳۱، ۲۵۶؛ نساء/۱۴۷؛ تغابن/۸)
	شناخت حقایق قرآن	(مائده/۸۳ و ۸۴؛ جن/۱ و ۲)

کد محوری	مضمون پایه	کد اولیه
	ارسال پیامبران	(اعراف/ ۱۰۱ و ۱۰۲؛ مؤمنون/ ۴۴)
	تعلق مشیت خداوند	(انعام/ ۱۱۱، ۱۰۹)
	توجه به پیدایش انسان	(حج/ ۵، ۶)
	شناخت آفرینش	(انبیاء/ ۳۰)
زمینه ایمان/ عواطف و احساسات	ایجاد محبت و گرایش	(آل عمران/ ۷۶؛ مائده/ ۵۴؛ حجرات/ ۷)
	عنایت و لطف خدا به انسان	(انعام/ ۵۳؛ مائده/ ۲۳؛ حجرات/ ۱۷)
	وعده و تضمین پاداش	(آل عمران/ ۱۷۹؛ فتح/ ۲۹)
	ترس از عذاب	(بقره/ ۲۴؛ زمر/ ۱۶)
	اجابت الهی	(بقره/ ۱۸۶؛ غافر/ ۶۰)
	محبت رسول خدا(ص)	(احزاب/ ۲۱)
زمینه ایمان/ اراده	گوش سپاری به سخنان منادی ایمان	(آل عمران/ ۱۹۳؛ حج/ ۴۲، ۴۶؛ ملک/ ۹، ۱۰)
	عدم استکبار	(مائده/ ۸۲، ۸۳؛ سجده/ ۱۵)
	توبه از نفاق	(نساء/ ۱۴۵، ۱۴۶)

با توجه به تحلیل مضمون اطلاعات جمع آوری شده از آیات قرآن، در نهایت به ۱۸ مضمون اولیه و در ادامه فرایند تحقیق، مضامین دیگر آیات، همگی تکرار این ۱۸ مضمون اولیه بوده بدین معنا که به نظر می‌رسد امکان اضافه شدن مضمون جدیدی به این دسته وجود ندارد و نگارندگان را به کفایت نظری تحقیق رسانده است. بررسی مضامین اولیه به دست آمده و تقسیم‌بندی آن‌ها نشان می‌دهد همه مضامین را می‌توان در ۳ مضمون پایه و اساسی بر مبنای نظریه تنس طبقه‌بندی نمود.

طبقه‌بندی‌های انجام شده در این مرحله، ساختار و الگوی زمینه‌های ایمان در قرآن

نشان می‌دهد:

شکل ۱. تقسیم‌بندی زمینه ایمان در قرآن



از آنجاکه در این مقاله به دنبال ترسیم شبکه مضامین زمینه‌های ایمان از منظر آیات بوده، ابتدا به طرح بحث «زمینه معرفتی» پرداخته و سپس «زمینه‌های عاطفی و ارادی» در ایمان-آوری تحلیل و تشریح می‌شود. در تحلیل و توضیح هر کدام از زمینه‌ها نیز به دلیل محدودیت حجم مقاله، تنها به ذکر توضیح اجمالی اکتفا کرده و در پایان مقاله، نمودار کلی شبکه مضامین زمینه‌های ایمان در قرآن را ترسیم خواهد شد.

۴-زمینه‌های معرفتی ایمان

ایمان اساساً دارای جوهری معرفتی است و ملازم با علم می‌باشد. آیت‌الله مصباح یزدی در این زمینه معتقد است ایمان اگرچه با معرفت متفاوت است، به معرفت نیاز دارد. شرط لازم ایمان به خدا نیز معرفت به اوست. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۴۳) بر این اساس پس از بررسی آیات قرآن کریم با استفاده از روش تحلیل مضمون و طبقه‌بندی مضامین استخراج شده نشان می‌دهد در حوزه معرفتی ایمان، نه زمینه اساسی سبب ایمان می‌شود که عبارت‌اند از:

۱-۴-معجزه

معجزه فعل الهی است، تنها با اذن و مشیت الهی صورت می‌گیرد و هدف آن اثبات منصب و مقامی الهی همچون نبوت و امامت است تا حقانیت کسی که ادعای نبوت می‌کند، روشن گردد تا مردم ادعای او را بپذیرند؛ و به نوعی معرفتی شهودی است که انسان به صورت آگاهانه آن را درک می‌کند و آن ضعف و ابهام برطرف می‌شود. در قرآن معجزه‌های زیادی نقل شده است؛ به‌طور نمونه در آیه ۱۱۷ سوره اعراف آمده: «وَأَوْحَيْنَا

کاربست تحلیل مضمونی در کشف شبکه مضمونی ایمان در قرآن؛ عمویی و همکاران | ۱۲۳

إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ» همان‌طور که این آیه اشاره دارد خداوند به حضرت موسی(ع) وحی کرد که سحر ساحران ساختگی و واقعیت ندارد و به او فرمان داد که عصایش را بیندازد در نتیجه تمام آنچه را آن‌ها ساخته و پرداخته بودند بلعید و باطل کرد و حق برای همگان آشکار گردید و سبب ایمان مردم شد. (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ۳۷۸) لذا می‌توان گفت معجزه، تنها راه شناخت پیامبران واقعی از مدعیان دروغین است و هر چه حسی‌تر و یقین‌آورتر باشد معرفت انسان نسبت به آن بیشتر و سبب ایمان می‌شود.

۲-۴-علم

علم از جمله ارزش‌های والا و شناخته‌شده‌ای است که شرط لازم و مقدمه ضروری برای شناخت حقایق عالم و تقویت باور و اعتقاد قلبی در انسان است که این اعتقاد و باور برخاسته از معرفت عمیق، به ایمان تعبیر می‌شود. به بیانی دیگر هر چه علم، اسرار و قوانین طبیعت را بیشتر کشف کند، انسان به ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های نظام هستی بیشتر پی می‌برد. علم ذاتاً با ایمان همراه است و از یکدیگر جدایی ناپذیرند در واقع مکمل و متمم هم هستند. ایمان در روشنایی علم، از خرافات دور می‌ماند. هر چه علم انسان عمیق‌تر باشد ایمان حاصل از آن نیز قوی‌تر خواهد بود. لذا علم، فقط زمینه التزام به محتوایش را فراهم می‌آورد، ولی این زمینه، وقتی مؤثر واقع می‌شود که به دنبال آن ایمان باشد. شاهد بر تأثیر علم در ایمان را آیه ۱۰۷ سوره اسراء می‌توان دانست که خداوند می‌فرماید: «قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا» همان‌طور که این آیه تصریح دارد علم ریشه ایمان است و ایمان جز در سایه علم ممکن نیست، زیرا علم واقعی که انسان را در برابر حق، به خضوع وادار کند. (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۵، ۱۳۰)

یا از حوادث تاریخی که رابطه مستحکم بین علم و ایمان را تأیید می‌کند، داستان ساحران عصر فرعون است زمانی که به معجزه حضرت موسی(ع) آگاهی یافتند، به سجده افتادند و ایمان آوردند و تهدیدهای فرعون نیز مؤثر واقع نشد. (طه/۶۹-۷۲) بنابراین می‌توان گفت این علم یقینی که برای ساحران حاصل شد سبب ایمان آن‌ها شد و نکته دیگر اینکه انسان‌ها در عقیده و ایمان، آزاد و حق انتخاب دارند و با تهدید و تطمیع

نمی‌توان باورهای آنان را تغییر داد و ایمان، زمانی با ارزش است که بر اساس منطق و بصیرت باشد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۶۵).

۳-۴- توجه به عزت خدا

«عزت» در لغت به معنای شکست‌ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۵۶۳) در قرآن کریم نیز به همان معنای لغوی بکار رفته است، خداوند عزیز است به این معنا که اراده او غالب و جاری است و کسی نمی‌تواند او را مغلوب کند و بر هر چه بخواهد غالب می‌شود. چنانچه در قرآن آمده: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر/۱۰) پس همه عزت‌ها از آن خداوند است یعنی هر کس که خواهان عزت است، همانا کل عزت از آن خداست و اوست که سرچشمه حقیقی همه‌ی عزت‌هاست و هیچ کس و هیچ موجودی بدون ارتباط با خداوند حظی از این کمال وجودی ندارد، لذا انسان زمانی که به چنین شناخت و ایمانی رسید به‌طور طبیعی تسلیم خدا می‌شود و بندگی او را می‌پذیرد. در نتیجه می‌توان گفت عمل به قرآن کریم و دستورات خداوند، عزت و سربلندی را به همراه می‌آورد و انسان‌ها را از هرگونه ذلت و خواری در دنیا و آخرت برحذر می‌دارد زیرا هیچ‌گاه عزت و سعادت تحت ولایت کافران و منافقان به دست نمی‌آید.

۴-۴- توجه به علم خداوند

علم الهی یکی از صفات ذاتی و جمال پروردگار متعال می‌باشد که دیگر صفات الهی از این صفت نشأت گرفته و انتزاع می‌شوند و هیچ‌چیزی بیرون از دایره علم احاطی خداوند نیست به عبارتی خداوند هم به نظام آفرینش آگاهی داشته و هم نسبت به مخلوقات و موجودات علم دارد لذا علم خداوند مطلق و بی‌پایان است. از این‌رو علم و آگاهی نسبت به حضور در محضر خداوند سبب بینش و نگرش جدیدی برای انسان‌ها می‌شود و مانع از ارتکاب انسان به گناه و اعمال ناشایست خواهد شد در نتیجه سبب اطاعت و ایمان واقعی می‌شود. به همین دلیل مسئله علم الهی به تفصیل در قرآن تبیین و تحلیل شده است؛ چنانکه

کاربست تحلیل مضمونی در کشف شبکه مضمونی ایمان در قرآن؛ عمویی و همکاران | ۱۲۵

خداوند می‌فرماید: «فَأْمُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (تغابن/ ۸) این آیه گستردگی و شمول علم خداوند نسبت به تمامی موجودات را مورد تأکید قرار می‌دهد و توجه به این نکته را متذکر و شایسته تدبیر و تفکر می‌داند؛ زیرا اگر کسی این نکته را مورد توجه قرار دهد که خداوند ناظر بر اعمال است و به تمام هستی علم دارد، رفتاری را در پیش می‌گیرد که موجب رضایت و خشنودی الهی است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۳۰۰) لذا معرفت به علم الهی نقش بسزایی در انسان دارد از این رو که انسان همواره خداوند متعال را ناظر و حاضر بر اعمالش می‌داند. طبعاً این آگاهی سبب می‌شود رفتار و کارهای خویش را به گونه‌ای سامان دهند که رضایت و خشنودی الهی در آن باشد.

۵-۴- شناخت حقایق قرآن

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد و ممتاز قرآن کریم، عمق و ژرفای شگفت‌آور آن است که سخنان خداوند با همه انسان‌ها در همه زمان‌ها است. لذا برای فهم حقایق قرآنی باید به خود آیات رجوع کرد زیرا آیات الهی از خصوصیات ارزنده‌ای برخوردارند؛ هریک از آن‌ها به نوعی راه هدایت به توحید الهی را برای انسان باز کند. به همین دلیل قرآن می‌فرماید: «إِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا...» (مائده/ ۸۳) شناخت حقایق آیات قرآن باعث می‌شود که اشک از چشمان آن‌ها سرازیر شود آن‌ها به قدری تحت تأثیر آیات تکان‌دهنده این کتاب آسمانی قرار می‌گرفتند که می‌گفتند: چگونه ممکن است ما به خداوند یگانه و حقایقی که از طرف او آمده است ایمان نیاوریم در حالی که انتظار داریم ما را در زمره جمعیت صالحان قرار دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵۶)؛ و آیات ۱ و ۲ سوره جن نیز بیانگر یکی از حقایق قرآنی است: «قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا...» این آیه به صراحت بیان می‌کند که جنیان دارای عقل و شعور هستند و مورد خطاب پروردگار واقع می‌شوند و اعجاز قرآن را از غیر آن تمیز می‌دهند زیرا خود به اعجاز قرآن اقرار می‌کنند چرا که اگر قرآن گفتار بندگان بود سبب تعجب نمی‌شد و تعجب قرآن برای آن است که از حیث تألیف و فصاحت خارج است و کسی توانایی تحدی در برابر قرآن ندارد.

۴-۶- ارسال پیامبران

یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران، رهبری و هدایت انسان‌ها جهت دستیابی به سعادت و کمال است و نیاز انسان و جوامع بشری به پیامبران، برای این است که به دستورات و قوانینی که خداوند برای انسان‌ها وضع کرده، دسترسی پیدا کنند تا در پرتو آن به کمالات واقعی نائل آیند بنابراین خداوند با بعثت پیامبران، با انسان‌ها اتمام حجت کرده است تا عذر و بهانه‌ای برای آنان وجود نداشته باشد. از سوی دیگر ایمان در اصطلاح قرآنی، اعتقاد و تصدیق قلبی به خدا و اظهار خضوع و قبول شریعت و آنچه پیامبر(ص) آورده اطلاق می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۲۲۴). لذا می‌توان گفت یکی دیگر از زمینه‌های ایمان، ارسال پیامبران و ادله روشن آنان است. برای نمونه خداوند، پیامبر(ص) را در آیه ۱۰۱ سوره اعراف مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا...» به اوضاع و احوال گذشتگان اشاره می‌کند که مشرک و گمراه بودند و پس از آن که پیامبران با دلایل و معجزات به سوی آن‌ها آمدند، باز هم به شرک و گمراهی‌شان ادامه دادند، چون قبلاً پیغمبران خود را تکذیب کرده بودند دیگر نمی‌توانستند ایمان بیاورند و خداوند بر دل‌های آنان مهر نهاد. لذا به مسلمانان هشدار می‌دهد تا آنان عبرت بگیرند. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۳: ۵۶۸) همان‌طور که این آیه اشاره دارد این چنین گمراهی جنبه‌ی اجباری ندارد بلکه این خود افراد هستند که سبب گمراهی خود می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۲۷۵) زیرا خداوند با ارسال پیامبران اتمام حجت کرده تا عذر و بهانه‌ای وجود نداشته باشد و این هدف در پی معرفت و شناخت حاصل می‌شود.

۴-۷- تعلق مشیت خداوند

یکی از صفات کمال خداوند که در قرآن مطرح شده مسئله‌ی مشیت خداوند است. در قرآن، آیات فراوانی دلالت بر تسلط کامل خداوند بر تمام امورات هستی دارد و تمام

اتفاقات عالم را بر اساس مشیت الهی معرفی نموده است. لذا اگر انسان به مشیت الهی مؤمن باشد هرگز خود را مستقل و مستغنی از او نمی‌بیند، زیرا خواست انسان در طول اراده و مشیت الهی قرار گرفته و اراده انسان وابسته به اراده خداوند است و نمی‌تواند و بی‌نیاز از حق باشد. برای نمونه خداوند در آیه ۱۰۹ و ۱۱۱ سوره مبارکه انعام قرآن می‌فرماید: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِيُؤْمِنُوا بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ...» این آیه بیان حال مشرکان لجوج و متعصب است که با نهایت اصرار سخت‌ترین سوگندها را یاد کردند و به دروغ ادعا کردند که هدفشان آن است که اگر معجزه برای آن‌ها بیاید ایمان خواهند آورد که خداوند در پاسخ آن‌ها به پیامبر(ص) اعلام می‌کند به آن‌ها بگوید که این کار در اختیار من نیست بلکه تمام معجزات تنها از ناحیه خدا است و به فرمان او است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۳۹۹) بنابراین می‌توان گفت ایمان و کفر مردم منوط به مشیت الهی است زیرا او سرچشمه جهان هستی است و هیچ چیز خارج از دایره مشیت الهی نمی‌باشد.

۴-۸- توجه به پیدایش انسان

یکی از مسائل مهم در تفکر بشری، مسئله نحوه خلقت انسان است که خداوند بارها در قرآن از میان همه مخلوقاتش، خلقت انسان را ذکر کرده است و می‌توان گفت معرفت نسبت به پیدایش اولیه انسان یکی از زمینه‌های ایمان می‌باشد. چنانکه خداوند در آیه ۵ و ۶ سوره حج انسان را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ...» (ای مردم! اگر در رستاخیز تردید دارید به این نکته توجه کنید که ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه و بعد از خون بسته شد و پس از آن از چیزی شبیه به گوشت جویده که بعضی دارای شکل و خلقت است...». در اینجا خداوند، انسان را نسبت به پیدایش اولیه خود آگاهی می‌دهد و به این نکته اشاره می‌کند که شما ضعیف و ناتوان بودید و ما به شما قدرت و توانایی و استقلال بخشیدیم؛ بنابراین نظامی را که خداوند آفریده حق است و نمی‌تواند بیهوده و بی‌هدف باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۱۸ و

۲۰)، لذا علم به این موضوع زمینه‌ای برای ایمان به حق است.

۹-۴- شناخت آفرینش

از مهم‌ترین مسائل فکری بشر، فلسفه‌ی آفرینش است. جهان خلقت آیات مصور قرآن کریم است و مجموعه‌ای از نشانه‌ها و شگفتی‌های خداست که با تفکر و تدبر در نشانه‌ها و آیات خدا پرده از رموز آفرینش برداشته می‌شود و عظمت و قدرت خداوند نمایان می‌شود. شناخت حقیقت عالم و تقویت این شناخت باعث به وجود آمدن باور و اعتقاد قلبی در انسان می‌شود، فلذا هدف از شناخت آفرینش، تکامل و وصول به رحمت الهی است و یکی از زمینه‌های ایمان محسوب می‌شود. به همین دلیل خداوند در آیه ۳۰ سوره انبیاء می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» حاکی از این است که اگر کافران در این آفرینش دقت کنند به توحید الهی پی خواهند برد و مراد از رؤیت، علم به این موضوع است که این حقیقت عمیق برای آن‌ها آشکار می‌شود. (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۵۰۶) لذا مشاهده‌ی طبیعت باهدف، کلید کسب ایمان است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۴۴۴).

۵- زمینه‌های عاطفی ایمان

عاطفه یکی از مؤلفه‌های شخصیت انسان است که نقشی بسیار مهم در زندگی او دارد و حتی زندگی انسان در همه‌ی مراحل رشد، متأثر از عواطف اوست و رفتار فردی و اجتماعی او را شکل می‌دهد. عاطفه یکی از عوامل زمینه‌ساز ایمان شمرده شده است، چنان‌که شهید مطهری حقیقت ایمان را تسلیم قلب و دل‌وجان می‌داند و بر این باور است که تسلیم زبان اگر با قلب همراه نباشد، ایمان نیست (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۹). بررسی آیات قرآن کریم با استفاده از روش تحلیل مضمون و طبقه‌بندی مضامین استخراج شده از آن‌ها نشان می‌دهد که در حوزه مباحث عاطفی و احساسی، شش زمینه اساسی موجب ایمان می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱-۵- ایجاد محبت و گرایش از سوی خداوند

انسان دارای دو نیروی عقل و عاطفه و به تعبیری دیگر دارای درک و احساسات است و محبت از عاطفه سرچشمه می‌گیرد و می‌تواند نیروی بسیار مؤثری در جهت رشد و کمال انسان‌ها به سمت تمام خوبی‌ها باشد؛ زیرا انسان بنابر فطرت خود، نیازمند محبت است و هیچ چیزی چون محبت نمی‌تواند انسان را متحول کند و او را به مسیر کمال سوق دهد. (نصیری خلیلی، حیدری فر، ۱۳۹۸، ش ۳۸: ۱۱۲) با ایجاد محبت، روح محبوب و محب به هم پیوند می‌خورد، محب به محبوب نزدیک می‌شود و به رنگ او در می‌آید. در واقع محبت انسان را به سوی محبوب و خواسته‌های او می‌کشاند. خداوند در قرآن از محبت خویش بسیار یاد کرده است: «مَنْ أَوْفَى بَعْدِهِ وَ اتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل عمران/۷۶).

«اللَّهُ حَبَّ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (حجرات/۷) این آیه می‌فرماید: خداوند ایمان را در دل‌هایتان محبوب ساخت و کفر و فسق و گناه را مورد تنفر شما قرار داده است، (این علاقه به ایمان و تنفر از کفر)، فضل و نعمتی بزرگ از طرف خداوند است (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۹: ۱۷۲). لذا اهمیت ایجاد محبت، از این جهت است که محبت اطاعت آور است و سبب همراهی می‌شود و موجب قرب الی الله و رسیدن به هدف غایی می‌شود.

۵-۲- عنایت و لطف خدا به انسان

عنایت و لطف خداوند همواره بر حق‌بندگان بوده و آنچه مسلم است، خداوند علیم حکیم به بنده خود ارزش بالایی داده و از روح خود در بنده دمیده است و او را اشرف مخلوقات خود قرار داده است به این منظور او را با تعلیمات آسمانی پیامبرانش پرورش و هدایت نمود تا او را به قرب جوار خود که کلّ الکمال و مطلق الجمال است، برساند. پس انسان تمام وجود خویش را مرهون لطف خدا است. چرا که خدای متعال با لطف و عنایت خویش برای انسان مقامی در نظر گرفته است که سبب تمایز او از دیگر موجودات اعم از

ملائکه و غیر ملائکه شده، بنابراین انسان می‌تواند با حرکت در مسیر صحیح به مقام ایمان دست یابد.

خداوند می‌فرماید: «يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ...» (حجرات / ۱۷) با توجه به این آیه می‌توان گفت، هدایت شدن به اسلام و پذیرش آن، لطف و عنایتی از جانب خداوند است زیرا مقصد نهایی تکامل آدمی، ایمان است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹: ۲۰۱)؛ بنابراین می‌توان گفت اگر انسان‌ها بدانند خداوند به آن‌ها عنایت و توجه دارد و مشتاق تقرب بنده به خویش است عزمشان بر پیمودن طریق قرب الی‌الله افزون‌تر و راسخ‌تر می‌شود؛ زیرا لطف خداوند می‌تواند آدمی را از مشکلات بیرون آورد و از ورطه‌ی فلاکت‌ها خارج سازد. در قرآن پر از نمونه‌هایی است که فرد گرفتار و محتاج شده است؛ اما یک‌مرتبه لطف خداوند شامل حال او می‌شود و تمام نیازهایش را برآورده می‌کند. به‌طور مثال می‌توان به داستان قوم حضرت نوح اشاره کرد که لطف الهی شامل حالشان شد و از عذابی هولناک رهایی یافتند.

۳-۵- وعده و تضمین پاداش

یکی از روش‌هایی که قرآن برای ایجاد انگیزه در انسان، برای وصول به حیات طیب و هدف مطلوب، از آن بهره برده «وعده و تضمین پاداش» است تا آن‌ها به میل و رغبت قلبی خویش به انجام کارهای درست اقدام نمایند؛ زیرا پاداش‌های قطعی و تخلف‌ناپذیر، برای هر کس ایجاد انگیزه و او را به این امر ترغیب می‌کند. لذا در قرآن، ایمان به خدا شرط بهره‌مندی مؤمنان از پاداش‌های الهی و ورود به بهشت و برخوردارگی از نعمت‌های بهشتی می‌باشد؛ خداوند در آیه ۱۷۹ سوره آل‌عمران می‌فرماید: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مَنْ رُسُلَهُ مِنْ نِشَاءٍ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ» زندگی میدان آزمایش و جداسازی پاک از ناپاک و مؤمن از منافق است، پس برای اینکه شما از این بوته آزمایش، خوب بیرون آید به خدا و پیامبران او ایمان آورید؛ که اگر ایمان بیاورید اجر و پاداش بزرگ در انتظار شما است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۸۰).

۴-۵- ترس از عذاب

مفهوم ترس در قرآن با واژگان متفاوتی مثل خوف، خشیت، رهبت، حذر، تقوا و... آمده؛ «ترس» در همه عرصه‌های زندگی نسبت به «شوق» نیرویی بسیار کارآمدتر می‌باشد. در خصوص امور معنوی نیز چنین است؛ «ترس» از عقوبت و جهنم بسیار تأثیرگذارتر است از شوق به پاداش‌های بهشتی. به همین منظور انداز همواره مؤثرتر و کارآمدتر از «تبشیر» است؛ و ترس از عذاب الهی بهترین محرک برای اطاعت از فرامین الهی و رهایی از وسوسه‌های شیطانی است بر این اساس مسئله تشویق و تهدید نقش بسزایی در تربیت و انگیزش افراد در پذیرش ایمان دارد. خداوند در آیه ۱۶ زمر می‌فرماید: «لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ...» در این آیه به چگونگی عذاب الهی اشاره می‌فرماید و خداوند بدین وسیله بندگانش را می‌ترساند و با آن‌ها اتمام حجت می‌کند که با اطاعت از فرامین الهی از عذاب پرهیزید (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۴۵۲). در نتیجه می‌توان گفت عذاب الهی و ترس از عذاب جهنم زمینه دیگری برای ایمان‌آوری تلقی می‌شود.

۵-۵- اجابت الهی

اجابت دعا از جانب خداوند متعال یکی دیگر از موارد ایمان‌آوری انسان‌ها است چراکه افراد گرفتار به لحاظ روانی به دنبال رفع گرفتاری خود هستند و ایمان و نتیجه آن را استجاب دعا از جانب خداوند می‌دانند که باعث گشودگی در کار می‌شود. همچنین می‌توان گفت دعا به‌عنوان یک نیاز بشری، محبوب‌ترین امر نزد خداوند است و انسان همواره در زندگی به آن نیاز دارد، زیرا سعادت او را رقم می‌زند. یکی از مهم‌ترین نکات در آداب دعا، داشتن اعتقاد و باور و امیدواری به اجابت و قبولی از جانب خداوند می‌باشد، خداوند به بندگان خود در چند آیه از قرآن وعده استجاب دعا داده و دعای بندگان را امری قطعی دانسته است برای نمونه در آیه ۱۸۶ سوره بقره می‌فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي...» یا در جای دیگر می‌فرماید: «وَ قَالَ رَبِّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...» (غافر/۶۰) به گفته علامه طباطبائی دعای

دعاکننده بدون هیچ قید و شرطی مستجاب می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۱)، زیرا مالکیت خداوند و سلطنتش عام و بدون هیچ قید و اندازه است (همان، ۳۲). لذا این وعده راستین و تخلف ناپذیر خداوند یکی دیگر از بهترین راه‌های ایمان‌آوری است، زیرا موجب اطمینان قلب می‌شود و هرگاه انسان به مقام اطمینان قلبی برسد باورهای دینی هم محکم می‌شود.

۵-۶- محبت رسول‌الله (ص)

یکی از روایات موجود در انسان روحیه محاکات است؛ یعنی مسائلی را که هم‌جنسان خود می‌بینند، ناخودآگاه به‌سوی آن‌ها جلب و جذب می‌شود (آریان و جهان پناه، ۱۳۹۸، ص ۸۵) به همین منظور خداوند متعال از میان انسان‌ها، پیامبران را برگزید تا بتوانند سرمشقی عملی امت‌ها باشند تا انسان‌ها با اقتدا کردن به آن‌ها در مسیر عبودیت الله قرار گیرند. خدای متعال وجود گرامی رسول خدا (ص) را رحمتی عام و فراگیر معرفی کرده (انبیا/۱۰۷) زیرا ایشان در مراتب کمال به آنجا رسیده بود که جلوه تام رحمت و محبت الهی گشته بود و به همه انسان‌ها به نظر رحمت و محبت می‌نگریست و بر این اساس با آنان رفتار می‌نمود. ایشان خواهان خیر و صلاح همگان بود به همین علت با مؤمن و کافر، مسلمان و مشرک بر اساس رحمت و عدالت رفتار می‌کرد و خواهان هدایت و نجات همگان بود؛ بنابراین شیوه ایشان در مدیریت و رهبری و هدایت مردم بیش از هر چیزی بر اساس رحمت و محبت بود و با همین عامل مردمان را راه می‌برد و به‌سوی مقصد کمال سیر می‌داد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (احزاب/۲۱) در این آیه رسول خدا (ص) را به‌عنوان الگوی حسنه معرفی می‌کند و «اُسْوَةٌ» در مورد تأسی و پیروی کردن از دیگران در کارهای خوب به کار می‌رود. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۳۴۴) بنابراین می‌توان گفت یکی دیگر از زمینه‌های عاطفی ایمان‌آوری، محبت رسول خدا (ص) است؛ زیرا رسول خدا (ص) چنان با مردمان از سر محبت و دلسوزی رفتار می‌کرد که کسی نمی‌توانست در صداقت و درستی او تردیدی به دل راه دهد، همین محبت و دلسوزی به‌تمام معنا بود که دوستی آن حضرت را در دل مردمان جای می‌داد و

سبب ایمان آن‌ها می‌شد.

۶-زمینه‌های ارادی ایمان

اراده به قوه‌ای گفته می‌شود که موجب انگیزه نفس به سمت جلب منفعت یا دفع ضرر است (صدرالمألهین، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۳۸) بُعد ارادی انسان، به جنبه فعلی نفس انسان اشاره دارد. در این بُعد هر آنچه برای روان انسان مطلوب و غیر مطلوب باشد قرار می‌گیرد. بر این اساس، بُعد ارادی در معنای عام و گسترده شامل همه افعال نفسانی اعم ارادی و غیرارادی (خواسته‌ها، آرزوها، نیت‌ها و...) می‌شود و در معنای خاص خود آنگاه که انسان نسبت به متعلق اراده، شناخت و علم پیدا کرد و از آن متعلق، متأثر شد به انجام فعلی آگاهانه اقدام می‌نماید بنابراین انسان تصمیم می‌گیرد که آن را تغییر بدهد یا به همان وضعیت نگه دارد و این امر بیانگر این است که حالت نفسانی آدمی، دارای سه جنبه مستقل و متمایز از یکدیگر است (سراج زاده، ۱۳۹۶، ۵۳)، بنابراین اراده مهم‌ترین نیاز ورود به راه خداپرستی و بندگی و عامل اصلی پیش برنده انسان در مسیر حق است. زمینه‌های ارادی ایمان سه مضمون است که عبارت‌اند از:

۶-۱- گوش‌سپاری به سخنان منادی ایمان

پیامبر اکرم(ص)، تبیین‌کننده قرآن و مفسر آن است. ایشان وظیفه دارد آموزه‌های قرآنی را برای مردم تبیین کند و مردم را با حقیقت معارف آن، آشنا سازد. از منظر قرآن تعلیمات پیامبر(ص)، مستند به وحی و همانند آیات قرآن از اعتبار لازم بهره‌مند است لذا لازمه ایمان به خدا، ایمان به پیامبر(ص) است و گوش‌سپاری به آنچه ایشان آورده است یکی از زمینه‌های ارادی ایمان محسوب می‌شود. در قرآن آمده: «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا...» (آل عمران/ ۱۹۳) همان‌طور که این آیه اشاره دارد لازمه ایمان این است که شخص از تعلیمات آن حضرت پیروی کند تا مشمول رحمت حق گردد تا گناهانش آمرزیده شود (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۵۹).

۲-۶- عدم استکبار

«استکبار» به معنای خودبزرگ‌بینی و امتناع از پذیرش حق از روی عناد است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۲۶) در حقیقت بدترین اقسام استکبار، نداشتن تمکین و تواضع در برابر فرمان خداوند و انبیای الهی است چراکه تمام راه‌های هدایت را به روی انسان می‌بندد و تمام عمر در بدبختی و گناه و بی‌ایمانی می‌ماند؛ بنابراین دوری از روحیه استکباری و عدم تکبر و استکبار زمینه‌ای برای ایمان تلقی می‌شود. خداوند در آیه ۸۲ سوره مائده می‌فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَ رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» این آیه به دشمنی یهود با مؤمنان و نرم‌خوبی مسیحیان و تمایلشان به اسلام اشاره کرده و دلیل سازگاری و دوستی مسیحیان با مؤمنان را این‌گونه بیان می‌کند که در میان آن‌ها گروهی دانشمند و عابد بودند و از تواضع و فروتنی برخوردار و از تکبر مبرا بودند، درحالی‌که یهود نقطه مقابل آن‌ها بودند. (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۴۷) بنابراین اگر آدمی گرفتار خودپسندی و تکبر نباشد حقائق را می‌گوید و می‌پذیرد و عدم تکبر و تعصب، سبب هدایت و قرار گرفتن در مسیر عبودیت و بندگی باری تعالی می‌شود. چنانچه در آیه بعدی سوره مائده به آن اشاره دارد: «وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا...» (مائده ۸۳) و وصف نصارای غیر مستکبر را بیان می‌کند زمانی که به قرآن گوش می‌دادند چشمشان پر از اشک می‌شد و می‌دانستند که آن کلام خداست (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۲۷). همان‌طور که این آیه اشاره می‌کند کسانی که به‌دوراز تکبر باشند در مسیر هدایت الهی قرار می‌گیرند و تعلق نگرفتن هدایت خدا به گروهی از مردم، به سبب تکبر خود آن‌هاست.

۳-۶- توبه از نفاق

نفاق در کاربرد اسلامی به معنای تظاهر به اسلام و ایمان و پنهان داشتن کفر است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۱۵۴) و مهم‌ترین ردیلتی که لازم است نفس انسان مسلمان از آن پاک و پیراسته باشد، اخلاق نفاق و رفتار و کردار منافقان است (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۱۶۳). بر

اساس آیات قرآن کریم از بین بردن ریشه‌های نفاق و صفات زشت آن شرایطی دارد؛ یکی از شرایط آن توبه است، یعنی برگشتن به سوی خدای تعالی و این برگشتن زمانی سودمند است که شخص تائب آنچه را که تاکنون از خود تباه ساخته اصلاح کند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۹۳) لذا توبه از نفاق، موجب قرار گرفتن در شمار مؤمنان می‌گردد. خداوند در آیه ۱۴۵ و ۱۴۶ سوره نسا می‌فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ... إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَاصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ...» منافق مانند پلی است میان مؤمنان و کفار، کفار به وسیله منافقان در مؤمنان نفوذ کرده، اگر منافق توبه کند، اعمال گذشته خود را اصلاح کند و از دین خدا پیروی کند و خود را از شرک خالص گرداند، در ردیف مؤمنان آمده و لایق پاداش مؤمنان می‌شود، جمع شدن این اوضاع به منزله زدوده شدن نفاق می‌باشد (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۷۷)؛ بنابراین اگر منافق توبه نماید و با اخلاص به سوی ایمان و اسلام روی آورد و با انجام اعمال صالح، گذشته خود را اصلاح نماید در پرتوی بخشش الهی در زمره مؤمنین پذیرفته شده و مورد لطف و رحمت باری تعالی قرار خواهند گرفت.

تحلیل ارتباط معنایی زمینه‌های ایمان

در خصوص ارتباط معنایی زمینه‌های ایمان می‌توان گفت بنابر نظریه تنس، علاوه بر ساحت معرفتی و ارادی، ساحت مستقلی دیگری به نام ساحت عاطفی وجود دارد که قابل تحویل و ارجاع به دو ساحت دیگر نیست؛ زیرا ساحت معرفتی، جنبه عقلانی و شناختی روان آدمی را تشکیل می‌دهد، عاطفه، جنبه تأثیری و انفعالی روان است و اراده، جنبه فعلی آن را در برمی‌گیرد از این رو هنگامی که انسان با موضوع یا متعلق روبه‌رو می‌شود و با آن ارتباط برقرار می‌کند، این ارتباط، سه جنبه متفاوت خواهد داشت: ۱- انسان متعلق را می‌شناسد (بعد معرفتی) ۲- متعلق، انسان را متأثر از خود می‌کند مثلاً انسان از آن، خوشش می‌آید یا خوشش نمی‌آید (بعد عاطفی) ۳- انسان می‌خواهد تصمیم می‌گیرد آن را تغییر دهد یا به همان وضعیت نگه دارد (بعد ارادی) این امر بیانگر حالت‌های نفسانی آدمی است که دارای سه جنبه مستقل و متمایز از یکدیگر است (سراج زاده، ۱۳۹۶، ۵۰).

صدرالمتالهین شیرازی نیز به این نکته اشاره می‌کنند و می‌گویند: «ابتدا فعل مذکور از سوی فاعل تصور می‌شود؛ سپس فایده آن مورد تصدیق قرار می‌گیرد. پس از حصول این دو علم تصویری و تصدیقی، در فاعل حالت شوق نسبت به انجام فعل پدید می‌آید. پس از شدت یافتن شوق، اراده آن به وقوع می‌پیوندد و در پی اراده، عضلات بدن به منظور انجام فعل به حرکت درمی‌آید.» (ر.ک به: صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۰۰-۲۹۹) به هر حال اگر عواطف، احساسات و اراده بر همه باورهای انسان تأثیر دارد، قطعاً بر ایمان به طریق اولی مؤثر خواهد بود زیرا باورهای دینی، باورهای معمولی نیستند که تنها تسلیم ذهنی را بطلبند بلکه تسلیمی همه‌جانبه از ما می‌خواهند یعنی علاوه بر ذهن و عقل، ساحات دیگر وجود آدمی اعم از احساسات و عواطف و یا اراده‌اش نیز باید تسلیم شود. از سوی دیگر هنگامی که عواطف در مرتبه متعالی تری همچون عشق به خداوند تجلی پیدا می‌کنند، فرایند کسب معرفت را هموارتر می‌سازد، بنابراین این سه ساحت، مؤلفه نهایی و ساحات‌های نفسانی تلقی می‌شوند و نمی‌توان مؤلفه‌ی احساس یا عاطفه را زیرمجموعه‌های مؤلفه‌های شناخت یا مؤلفه‌ی اراده یا ترکیب این دو دانست بدین دلیل لازم بوده و مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

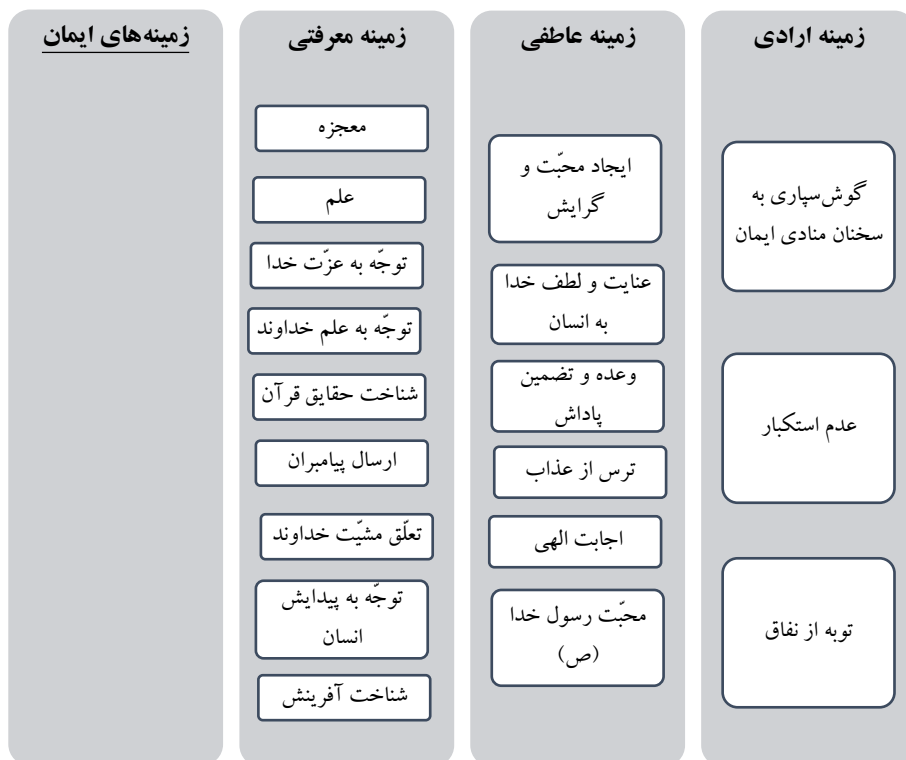
مباحث این پژوهش نشان می‌دهد؛ برای شکل‌گیری و شکوفایی ایمان افزون بر ساحت معرفتی، ابعاد دیگری نیز وجود دارد که گرایش و امیال و تحریکات یکی از این ابعاد بوده، زیرا ساحت معرفتی و شناختی انسان متأثر از ساحت‌های دیگر همچون عواطف و هیجانات و اراده است و بخش بزرگی از معارف آدمی در گرو، کشش امیال شکل می‌گیرد. لازم به ذکر است؛ ساحت عاطفی یعنی، گرایش‌ها اعم از مثبت و منفی که اگر مورد کنترل قرار نگیرند مانع ایمان می‌شود اما زمانی که عواطف در مرتبه متعالی‌تر، اطمینان و اعتماد قرار گرفت، فرایند کسب معرفت را هموارتر می‌سازد در نتیجه فرایند ایمان برای اراده ایمان، تناسب می‌یابد. بنابراین لازم بوده و مورد پذیرش قرار می‌گیرد. زمینه‌های ایمان در سه دسته زمینه‌های معرفتی، عاطفی و ارادی جای می‌گیرد. زمینه -

کاربست تحلیل مضمونی در کشف شبکه مضمونی ایمان در قرآن؛ عمویی و همکاران | ۱۳۷

های معرفتی ایمان عبارت‌اند از: معجزه، علم، توجّه به عزّت خدا، توجّه به علم خداوند، شناخت حقایق قرآن، ارسال پیامبران، تعلق مشیّت خداوند، توجّه به پیدایش انسان، شناخت آفرینش. زمینه‌های عاطفی ایمان عبارت‌اند از: ایجاد محبّت و گرایش، عنایت و لطف خدا به انسان، وعده و تضمین پاداش، ترس از عذاب، اجابت الهی، محبّت رسول خدا(ص). زمینه ارادی ایمان عبارت‌اند از: گوش‌سپاری به سخنان منادی ایمان، عدم استکبار، توبه از نفاق.

بنابراین ایمان فراتر از مرتبه باور و اندیشه است و نمی‌تواند تنها به واسطه معرفت حاصل شود و آن به دلیل عدم تسلیم آدمی به واسطه بسیاری از خواسته‌ها و تمایلات نفسانی است. از این رو نقش احساسات و عواطف و اراده در پیدایش و از بین رفتن ایمان آشکار می‌شود و حضور عناصر عاطفی و ارادی در خود ایمان راه را برای تأثیرپذیری از این عناصر از بیرون هموارتر می‌سازد.

شکل ۲. شبکه مضامین زمینه ایمان از منظر آیات قرآن کریم





تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Elham Amooye
Mohammad Mahdi
Shahmoradi Fereidoni
Mahdi Taghizadeh
Tabari

 <https://orcid.org/0000-0001-5693-2999>
 <https://orcid.org/0000-0001-5823-4211>

منابع

قرآن کریم. (۱۳۷۳). ترجمه مکارم شیرازی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ دوم.

ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). *مقاییس اللغه*، بیروت- لبنان: دار احیاء التراث العربی
ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
آریان، حمید، جهان پناه، محمدعلی. (۱۳۹۸). «عوامل مؤثر بر اراده انسان و تقویت آن در راستای انجام عمل صالح از نظر قرآن»، معرفت، شماره ۲۵۷، صص ۷۷-۸۶
بروجردی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶). *تفسیر جامع*، تهران: کتابخانه صدر، چاپ ششم.
پورسینا، زهرا. (۱۳۸۵). *تأثیر گناه بر معرفت*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق بیروت: صفوان عدنان داودی، دارالعلم الدار الشامیة.

رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۶). *قرآن و علم*، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
سراج زاده، حسن. (۱۳۹۶). «گزاره‌های اخلاقی قرآن و چگونگی نظام‌مندسازی آن»، *پژوهشنامه اخلاق*، شماره ۳۵، صص ۴۵-۶۴

شجاعی، محمدصادق. (۱۳۸۵). *دیدگاه روان‌شناختی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی*، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
صدرالمآلهین. (۱۳۷۸). *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه*، تصحیح: محمد خواجه‌ای، تهران: مولی.

صدرالمآلهین. (۱۳۶۰). *الشواهد الربوبیة*، مشهد: مرکز الجامعی للنشر.
طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، لبنان-بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲). *تفسیر جوامع الجامع*، مصحح: ابوالقاسم گرگی، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۵). *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چاپ دوم.

- قرضاوی، یوسف. (۱۳۸۲). *قرآن منشور زندگی*، مترجم: عبدالعزیز سلیمی، تهران: احسان.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۸). *اخلاق در قرآن*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). *مجموعه آثار*، قم: صدرا.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۷۸). *تفسیر کاشف*، قم: بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
- ملکیان، مصطفی. (۱۳۹۵). *مقدمه‌ای بر کتاب من و دنیای احساساتم (الیزابت تسلا و بریگیت کولخ)*، تهران: نشر آسمان خیال.
- میرهاشمی، سید محمد. (۱۳۹۰). *مطلق گرایی در اخلاق*، قم: نشر بوستان کتاب قم.
- نصیری خلیلی، علیرضا؛ حیدری فر، مجید. (۱۳۹۸). «تحلیل تفسیری نقش ایمان در رابطه قلبی انسان با خدا از منظر قرآن»، *علوم قرآن و حدیث*، شماره ۳۸، صص ۱۶۳ تا ۱۸۲.

References

- Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "*Using thematic analysis in psychology*", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
- Radharkrishnan, *Essentials of Psychology*, Oxford University Press, 1988, pp.13-15
- The Holy Quran, translated by Makarem Shirazi. (1994). Qom: Department of Islamic History and Education Studies, second edition. [In Persian]

References [In Persian]

- Arian, Hamid, Jahanpanah, Mohammad Ali. (2018). "Factors affecting human will and strengthening it in order to perform righteous deeds according to the Qur'an", *Marefat*, No. 257, pp. 77-86. [In Persian]
- Boroujerdi, Mohammad Ebrahim. (1987). *Tafsir Jame*, Tehran: Sadr Library, 6th edition. [In Persian]
- Ibn Faris, Ahmad. (1983). *Al-Maqayis al-Lagheh*, Beirut-Lebanon: Dar Ihya al-Trath al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. (1993). *Lasan al-Arab*, Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi. (2009). *Ethics in the Qur'an*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Motahari, Morteza. (1995). *Collection of works*, Qom: Sadra. [In Persian]

- Maghnieh, Mohammad Javad. (1999). *Tafsir Kashif*, Qom: Bostan Kitab, Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary, first edition. [In Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser. (1992). *Tafsir Nemouneh*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islami, 10th edition. [In Persian]
- Mulla Sadra. (1981). *Al-Shawahid Al-Rubabiyeh*, Mashhad: Al-Markaz Al-Jamei Publishing House. [In Persian]
- Malekian, Mustafa. (2015). *an introduction to the book "My world and the world of my feelings"* (Elizabeth Tessler and Brigitte Kolkh), Tehran: Asman Khyal Publishing House. [In Persian]
- Mirhashemi, Seyyed Mohammad. (2018). *Absolutism in Ethics*, Qom: Bostan Kitab, Qom Publishing House. [In Persian]
- Nasiri Khalili, Alireza; Heydarifar, Majid. (2018). "Interpretative analysis of the role of faith in the human heart relationship with God from the perspective of the Qur'an", *Quran and Hadith Sciences*, No. 38, pp. 163-182. [In Persian]
- Porsina, Zahra. (2015). *The Effect of Sin on Knowledge*, Qom: Research Institute of Islamic Culture and Science. [In Persian]
- Qara'ati, Mohsen. (2009). *Tafsir Noor*, Tehran: Lessons from the Qur'an Cultural Center. [In Persian]
- Qureishi Banabi, Ali Akbar. (1996). *Tafsir Ahsan al-Hadith*, Tehran: Be'sat Foundation, Publishing Center, second edition. [In Persian]
- Qarzawi, Youssef. (2013). *The Qur'an is a book of life*, translator: Abdul Aziz Salimi, Tehran: Ehsan. [In Persian]
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad. (1991). *al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an*, Damascus Beirut: Safwan Adnan Davoudi, Dar al-Alam al-Dar al-Shamiya. [In Persian]
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali. (2007). *Qur'an and Science*, Qom: Researches on Tafsir and Sciences of the Qur'an. [In Persian]
- Sirajzadeh, Hassan. (2016). "Ethical propositions of the Qur'an and how to systematize them", *Research Journal of Ethics*, No. 35, pp. 45-64. [In Persian]
- Shojaei, Mohammad Sadegh. (2006). *Psychological view of Hazrat Ayatollah Misbah Yazdi*, Qom: Publishing Center of Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Sadr al-Mutalahin. (1999). *Al-Hikma al-Mutaaliyyah fi al-Asfar al-Uqliyyah al-Araba*, Edited by: Mohammad Khajawi, Tehran: Molly. [In Persian]
- Tabatabai, Mohammad Hossein. (2013). *Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an*, Lebanon-Beirut: Est. Al-Alami Publishing House, second edition. [In Arabic]

۱۴۲ | دو فصلنامه علمی سراج مُنیر | سال چهاردهم | شماره ۴۶ | بهار و تابستان ۱۴۰۲

Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1991). *Tafsir Jama'im al-Jama'i*, edited by: Abul Qasim Gurji, Qom: Qom Seminary, Management Center. [In Persian]

استناد به این مقاله: عمویی، الهام، شاهرادی فریدونی، محمدمهدی، تقی زاده طبری، مهدی. (۱۴۰۲). کاربرد تحلیل مضمونی در کشف شبکه مضمونی ایمان در قرآن، دو فصلنامه علمی سراج مُنیر، ۱۴(۴۶)، ۱۱۳-۱۴۴.

DOI: 10.22054/ajsm.2023.73749.1933



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.